

پی‌یر بوردیو

# تمایز

نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی

ترجمهٔ حسن چاوشیان



## فهرست

۱۵	پیش‌گفتار ترجمهٔ انگلیسی	
	۲۱	تمایز
	۲۳	مقدمه
		I
۳۳	نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی	
۳۵	اشراف‌سالاری فرهنگ	۱
۴۴	القاب و عناوین اشرافیت فرهنگی	
	۱۰۲	پیشینهٔ فرهنگی
		II
	اقتصاد عمل	۱۴۷
۱۴۹	فضای اجتماعی و دگرگونی‌های آن	۲
۱۵۲	شرایط طبقاتی و شرطی شدن اجتماعی	
	۱۶۸	فضای سه بُعدی
	۱۸۱	استراتژی‌های تبدیل
۲۳۷	ریختار و فضای سبک‌های زندگی	۳
	۲۴۵	همگونی بین فضاها
۲۸۵	جهان‌های سبک‌های ممکن	
	۳۰۹	پویایی میدان‌ها
۳۱۴	تناظر میان تولید کالاها و تولید سلیقه‌ها	۴
	۳۳۴	مبارزه‌های نمادین

۳۵۱	سلیقه‌های طبقاتی و سبک‌های زندگی	
۵	حس تشخیص	۳۵۵
۳۶۳	شیوه‌های تصاحب آثار هنری	
۳۸۶	شکل‌های گوناگون سلیقه غالب	
	مهر زمان	۴۰۵
	قدرت هیامادی و معنوی	۴۳۴
۶	فرهنگ دوستی	۴۳۷
	شناخت و تصدیق	۴۳۹
	تحصیل و خودآموخته‌ها	۴۵۱
	شیب و نیروی رانش	۴۵۵
۴۶۷	انواع گوناگون سلیقه خرده‌بورژوازی	
	خرده‌بورژوازی روبه زوال	۴۸۱
	خرده‌بورژوازی اداری	۴۸۳
	خرده‌بورژوازی نو	۴۸۸
	از اخلاق و وظیفه به اخلاق تفریح	۵۰۲
۷	انتخاب اجباری	۵۱۳
۵۱۵	سلیقه ضرورت‌پسند و اصل سازش	
	نتایج سلطه	۵۲۹
۸	فرهنگ و سیاست	۵۴۷
	دموکراسی‌گزینی	۵۵۰
	منزلت و صلاحیت	۵۵۸
	حق سخن‌گفتن	۵۶۵
	عقیده شخصی	۵۷۰
	شیوه‌های تولید عقیده	۵۷۴
	خلع ید و سوءتصرف	۵۸۳
	نظم اخلاقی و نظم سیاسی	۵۹۳
	ریختار طبقاتی و عقاید سیاسی	۵۹۷

۶۰۲	عرضه و تقاضا
۶۱۶	فضای سیاسی
۶۱۷	تأثیر خاص خط‌سیر
۶۲۶	زبان سیاسی

۶۳۵	نتیجه: طبقه‌ها و طبقه‌بندی‌ها	
۶۳۷	ساختارهای اجتماعی جسمیت یافته	
۶۴۱	معرفت بدون مفاهیم	
۶۴۷	اسنادهای پرمفعت	
۶۵۳	مبارزه طبقه‌بندی	
۶۵۶	واقعیت باز نمودها و باز نمودهای واقعیت	
۶۶۱	پی‌نوشت: به سوی نقد «عوامانه» نقدهای «محض»	
۶۶۲	بیزاری از چیزهای «آسان»	
۶۶۵	«ذایقه تأمل» و «ذایقه حس»	
۶۷۰	رابطه اجتماعی انکار شده	
۶۷۳	متون مقدس و حاشیه‌نویس‌ها	
۶۷۸	لذت متن	
۶۸۳	پیوست‌ها، یادداشت‌ها، نمایه	
۶۸۵	پیوست ۱ تأملاتی درباره روش	
۷۰۷	پیوست ۲ منابع تکمیلی	
۷۱۵	پیوست ۳ داده‌های آماری	
۷۳۷	پیوست ۴ تداعی‌ها: یک بازی فکری	
	یادداشت‌ها	۷۵۵
	نمایه اسامی	۸۲۷
	نمایه موضوعی	۸۳۷

## فهرست جدول‌ها

۱	ترجیحات طبقاتی در مورد خواننده و موسیقی.	۴۱
۲	قریحه زیباشناختی، به تفکیک سرمایه تحصیلی (%).	۶۷
۳	قریحه زیباشناختی به تفکیک طبقه و تحصیل (%).	۶۸

۲۰	توزیع انواع ارزش‌هایی که زنان فرانسوی به بدن، زیبایی و مراقبت‌های زیبایی می‌دهند، ۱۹۷۶. ۲۸۲
۲۱	تفاوت‌های طبقاتی در فعالیت‌های ورزشی و عقاید مربوط به ورزش، ۱۹۷۵. ۲۹۵
۲۲	تفاوت‌های ایستارهای اخلاقی در پاره‌طبقه‌ها. ۴۲۹
۲۳	عقیده دربارهٔ جوایز ادبی، به تفکیک پاره‌طبقه‌ها (٪)، ۱۹۹۶. ۴۴۰
۲۴	بخت‌های ورود به طبقهٔ بالا، و نرخ باروری، به تفکیک پاره‌طبقه‌ها، ۱۹۷۰-۱۹۷۱. ۴۵۷
۲۵	شناخت‌ها و ترجیحات خرده‌بورژوازی قدیم و جدید، در پاریس و شهرستان‌ها (٪). ۵۰۱
۲۶	آگاهی از نقش عوامل اجتماعی در موفقیت تحصیلی و اجتماعی، به تفکیک پاره‌طبقه‌ها (٪)، ۱۹۷۱. ۵۳۴
۲۷	دیدگاه‌ها دربارهٔ روش کاستن از نابرابری، به تفکیک پاره‌طبقه‌ها (٪)، ۱۹۷۰. ۵۳۶
۲۸	پاسخ‌های «نمی‌دانم» به پرسش‌های سیاسی، به تفکیک جنس (٪)، ۱۹۷۱. ۵۵۵
۲۹	پاسخ‌های «نمی‌دانم» به پرسش‌هایی دربارهٔ تدریس، به تفکیک سطح تحصیل (٪)، ۱۹۷۰. ۵۵۶
۳۰	اثر تحمیل: توزیع پاسخ‌ها به پرسشی دربارهٔ دنیای تجارت و سیاست، به تفکیک پاره‌طبقه‌ها (٪)، ۱۹۷۱. ۵۸۹
۳۱	اثر تحمیل: توزیع پاسخ‌ها به پرسشی دربارهٔ سوسیالیسم نو، به تفکیک جنس، پاره‌طبقه‌ها و حزب (٪)، ۱۹۷۱. ۵۹۰
۳۲	دیدگاه‌ها دربارهٔ تنظیم سیاسی و نظم اخلاقی، به تفکیک پاره‌طبقه (٪)، ۱۹۵۹-۱۹۷۲. ۶۰۸
۳۳	روزنامه‌هایی که مردان می‌خوانند، به تفکیک سطح تحصیل، ۱۹۷۵. ۶۰۸
۳۴	روزنامه‌هایی که مردان می‌خوانند، به تفکیک سن، ۱۹۷۵. ۶۰۸
۳۵	روزنامه‌هایی که مردان و زنان می‌خوانند، به تفکیک پاره‌طبقه، ۱۹۷۵. ۶۰۹
۳۶	درصدی از هر پاره‌طبقه که روزنامه یا هفته‌نامه‌ای را می‌خوانند. ۶۱۲
الف. ۱	ویژگی‌های اصلی نمونهٔ پیمایش: درصد در هر پاره‌طبقه به تفکیک جنس، سن، تحصیلات و خاستگاه اجتماعی. ۶۸۶

۴	شناخت آهنگسازان و آثار موسیقی به تفکیک تحصیل و خاستگاه طبقاتی. ۱۰۳
۵	خرید لوازم منزل در میان طبقهٔ بالا، به تفکیک تحصیل و خاستگاه اجتماعی. ۱۲۴
۶	برخی از معرف‌های سرمایهٔ اقتصادی در گروه‌های مختلف طبقهٔ بالا، ۱۹۶۶. ۱۷۲
۷	برخی از معرف‌های فعالیت فرهنگی در گروه‌های مختلف طبقهٔ بالا، ۱۹۶۶. ۱۷۳
۸	ترجیح انواع کتاب‌ها به تفکیک گروه‌های مختلف طبقهٔ بالا (٪)، ۱۹۶۶. ۱۷۴
۹	خاستگاه اجتماعی اعضای طبقهٔ بالا، به تفکیک گروه‌های طبقاتی (٪)، ۱۹۷۰. ۱۷۶
۱۰	میزان اشتغال زنان ۲۵-۳۴ ساله، به تفکیک تحصیل، ۱۹۶۲ و ۱۹۶۸. ۱۹۳
۱۱	تغییرات در ریخت‌شناسی و ساختار دارایی پاره‌طبقه‌ها، ۱۹۴۵-۱۹۷۵. ۱۹۵
۱۲	تغییرات ریخت‌شناسی و ساختار دارایی پاره‌طبقات، ۱۹۵۴-۱۹۶۸. ۱۹۸
۱۳	تغییرات ریخت‌شناختی در طبقهٔ بالا، ۱۹۵۴-۱۹۷۵. ۲۰۰
۱۴	تغییرات ریخت‌شناختی در طبقهٔ متوسط، ۱۹۵۴-۱۹۷۵. ۲۰۱
۱۵	تغییرات ریخت‌شناسی طبقاتی و استفاده از نظام آموزشی، ۱۹۵۴-۱۹۷۵. ۲۲۳
۱۶	هزینهٔ سالانهٔ خوراک در خانوار: کارگران یدی ماهر، سرکارگران و کارکنان دفتری، ۱۹۷۲. ۲۵۲
۱۷	مخارج سالانهٔ معلمان، متخصصان حرفه‌ای و کارفرمایان صنعتی و تجاری، ۱۹۷۲. ۲۵۷
۱۸	مخارج خوراک سالیانه خانوار: پاره‌طبقه‌های طبقهٔ بالا، ۱۹۷۲. ۲۰۶
۱۹	انواع گوناگون پذیرایی و مهمان‌داری به تفکیک پاره‌طبقه‌ها (٪)، ۱۹۷۸. ۲۷۴

۱۰	خانه ایده آل.	۳۳۹
۱۱	انواع سلیقه فرادستان: تحلیل همانندی‌ها. نمودار ساده نخستین و دومین محور عامل: فضای خصوصیت‌ها.	۳۵۸
۱۲	انواع سلیقه فرادستان. نمودار ساده نخستین و دومین محور عامل: فضای افراد پاره طبقه‌های مختلف.	۳۵۸
۱۳	شکل‌های گوناگون سلیقه غالب. تحلیل همانندی‌ها: نمودار ساده شده محورهای اول و سوم.	۳۶۲
۱۴	تماشای فیلم‌ها (به ترتیب علاقه).	۳۶۹
۱۵	انواع سلیقه خرده‌بورژوازی. تحلیل همانندی‌ها. نمودار ساده نخستین و دومین محور عامل: فضای خصوصیت‌ها.	۴۶۸
۱۶	انواع سلیقه خرده‌بورژوازی. تحلیل همانندی‌ها. نمودار ساده نخستین و دومین محور عامل: فضای افراد پاره طبقه‌های مختلف.	۴۶۸
۱۷	انواع سلیقه خرده‌بورژوازی. تحلیل مطابقت: نمودار ساده شده محورهای اول و سوم.	۴۷۲
۱۸	فیلم‌های دیده شده (به ترتیب اولویت): II.	۴۹۸
۱۹	آسان‌گیری و گرایش سیاسی.	۵۸۲
۲۰	عقاید درباره سیاست خارجی و گرایش حزبی.	۵۸۷
۲۱	فضای سیاسی.	۶۱۸

۷۱۶	الف. ۲. سلیقه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی طبقات و پاره طبقه‌ها (%): I.
۷۱۸	الف. ۳. سلیقه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی طبقات و پاره طبقه‌ها (%): II.
۷۲۰	الف. ۴. سلیقه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی طبقه‌ها و پاره طبقه‌ها (%): III.
۷۲۲	الف. ۵. سلیقه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی طبقه‌ها و پاره طبقه‌ها (%): IV.
۷۲۴	الف. ۶. سلیقه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی طبقه‌ها و پاره طبقه‌ها (%): V.
۷۲۶	الف. ۷. قریحه زیباشناختی به تفکیک سرمایه تحصیلی.
	الف. ۸. برخی از معرف‌های سرمایه اقتصادی
۷۲۸	به تفکیک مقوله اجتماعی و شغلی (%).
	الف. ۹. برخی از معرف‌های خط‌سیر اجتماعی و سرمایه فرهنگی موروثی، به تفکیک مقوله‌های اجتماعی و شغلی (%).
۷۳۰	الف. ۱۰. سرمایه تحصیلی، وقت آزاد، باروری، و محل سکونت، به تفکیک گروه‌های اجتماعی و شغلی (%).
۷۳۲	الف. ۱۱. مصرف و فعالیت‌های فرهنگی به تفکیک گروه‌های اجتماعی و شغلی (%).
۷۳۴	الف. ۱۲. بررسی نتایج فراگیر.
۷۴۰	الف. ۱۳. توزیع پاسخ‌ها به تفکیک رأی‌دهندگان به میتران و ژیسکار دستن.
۷۴۲	الف. ۱۴. تفاوت‌ها بر حسب گروه‌بندی‌های درآمد (ماهانه).

#### فهرست شکل‌ها

۴۳	۱. توزیع ترجیحات در مورد سه اثر موسیقی به تفکیک زیرگروه‌های طبقاتی.
۹۶	۲. تبع زیباشناختی در میان خرده‌بورژواها.
۱۲۷	۳. رابطه میان سرمایه فرهنگی موروثی و سرمایه تحصیلی.
۱۳۸	۴. توانش و صحبت کردن درباره هنر.
۱۸۴	۵. فضای موقعیت‌های اجتماعی.
۱۸۵	۶. فضای سبک‌های زندگی.
۲۲۴	۷. جابه‌جایی نرخ تحصیل ۱۶-۱۸ ساله‌ها، ۱۹۵۴-۱۹۷۵.
۲۴۰	۸. شرایط وجودی، ریختار و سبک زندگی.
۲۵۸	۹. فضای خوراک.

## پیش‌گفتار

### ترجمه انگلیسی

به هزارویک دلیل می‌ترسم این کتاب به چشم خواندگانش «بسیار فرانسوی» بیاید - که می‌دانم همیشه هم تعریف و تمجید نیست.

البته این کتاب به دلیل موضوع تجربی‌اش قطعاً فرانسوی است، و حتی می‌توان آن را در حکم قوم‌نگاری فرانسه قرائت کرد که، اگرچه معتقدم نشانی از زیادی‌روی‌های قوم‌مدارانه در آن دیده نمی‌شود، باید به ترمیم تصویر نسبتاً کلیشه‌وار جامعه فرانسوی که در سنت امریکایی عرضه می‌شود، کمک کند. اما به عقیده من امکان دست‌یافتن به یکتایی هر اثره‌ای، بدون دست‌کشیدن از سودای استنتاج گزاره‌های کلی، وجود دارد؛ و بی‌شک، فقط با استفاده از روش تطبیقی که اثره خود را همچون «حالت خاصی از امر ممکن» می‌نگرد، می‌توانیم امیدوار باشیم که آن تعمیم ناروای این حالت خاص پرهیز کنیم. من به کمک تحلیل‌های نوربرت الیاس<sup>۱</sup>، روی خاص‌بودگی سنت فرانسوی تأکید می‌کنم، که همانا تداوم و پایداری مدل اشراف‌سالاری «جامعه درباری» طی دوره‌ها و نظام‌های سیاسی مختلف است. این اشراف‌سالاری در تمثال بودژوازی رده بالای پاریسی تجسم می‌یابد که ترکیبی از همه شکل‌های پرسنالیز و تمامی عناوین و القاب اشرافیت اقتصادی و فرهنگی است که هیچ جای دیگری، دست‌کم به لحاظ نخوت و غرور قضاوت‌های فرهنگی‌اش، همتایی ندارد. [۱] اما اشتباه محض

است اگر همه مطالب این کتاب درباره کاربردهای اجتماعی هنر و فرهنگ، فقط مجموعه‌ای از بلهوس‌ها و غریب پارسی به‌شمار آید - البته نه فقط به این دلیل که، همان‌طور که اروینگ گافمن<sup>۱</sup> به من گفته بود، شیوه زندگی پارسی همیشه برای دنیای «انگلساکسون»، حتی فراتر از حلقهٔ مُدپرستان و محفل‌بازان، فریبنده بوده است و به این ترتیب نوعی شمولیت و عام‌بودگی پیدا می‌کند.

مدل روابط میان جهان شرایط اقتصادی و اجتماعی و جهان سبک‌های زندگی، که در این‌جا براساس بازاندیشی دربارهٔ تقابلی که ماکس وبر بین طبقه و منزلت<sup>۲</sup> می‌گذاشت مطرح خواهیم کرد، به‌نظر من فراتر از حالت خاص فرانسوی، و بی‌تردید برای همهٔ جوامع دارای قشربندی، اعتبار دارد؛ حتی اگر نظام ویژگی‌های تشخیص‌آوری که تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی را (که خود به لحاظ ابعاد و ساختار تفاوت دارند) متجلی یا برملا می‌کنند، از دوره‌ای به دورهٔ دیگر یا از جامعه‌ای به جامعهٔ دیگر، تفاوت شایانی داشته باشد. [۲] برای مثال، کم‌ترین آشنایی با طرز تفکر ساختاری کافی است تا بدانیم که استفاده از واژه‌ها و اسم‌های خاص و عام فرانسوی - Institut de Beaute یا Confiseur و Haute Couture، و از این قبیل - بر سردر مغازه‌های خیابان پنجم<sup>۳</sup> یا خیابان مدیسون<sup>۴</sup> همان کارکردی را ایفا می‌کند که واژه‌های انگلیسی hairdresser (آرایشگر مو)، shirtmaker (پیراهن‌دوز)، یا interior designer (طراح دکوراسیون داخلی) روی ویتترین مغازه‌های خیابان فوبور سن-آنور<sup>۵</sup> ایفا می‌کنند. [۳] اما، به‌طور کلی‌تر، احساس فاصله و حتی غریبگی که زائیدهٔ عینی‌سازی علمی است، و تفاوت‌های موجود در سنت‌های تاریخی، نیز آن را تقویت می‌کنند؛ و از آنجایی که به جلوه‌های گوناگون ساختارهای همسان، محتواهای متفاوتی می‌دهند، نباید خواننده را از این بازدارد که تحلیل‌های این کتاب را دربارهٔ جامعهٔ خویش، و در مورد موقعیت خویش در جامعه، و خلاصه در مورد خویشتن به کار بندد.

به همین دلیل، با وجود این‌که خوب می‌دانم چه خطرها و خطاهایی در جست‌وجوی سهل‌انگارانهٔ شباهت‌های جزئی نهفته است، که هرگز جای مقایسهٔ روشمند نظام‌ها را نمی‌گیرد، دل به دریا می‌زنم و در محدوده‌های شناختی که از جامعه و فرهنگ امریکایی دارم، سرخ‌هایی می‌دهم که این کتاب را چگونه باید قرائت کرد تا در پس نهادهای مختص به

1. Erving Goffman
2. stand
3. Fifth Avenue
4. Madison Avenue
5. Faubourg Saint-Honoré

جامعهٔ خاص، به دنبال ویژگی‌های ثابت ساختاری و بنابراین، به دنبال نهادهایی هم‌ارز در جهان اجتماعی دیگری باشیم. در قطب «بین‌المللی» طبقهٔ حاکم، این مسئله به ندرت پیش می‌آید، چون محصولات فرهنگی (به نسبت) بین‌المللی هستند. می‌توان عصر نو<sup>۱</sup> را به جای پارتیزان ریویو<sup>۲</sup>، یا فرانس موزیک را به جای تلویزیون آموزشی (کانال ۱۳، WGBH، WQXR و مانند این‌ها) گذاشت، [۴] و شاید بتوان فرا-چپ‌گرایی<sup>۳</sup> را با دانشجویان دههٔ شصت معادل گرفت، [۵] درحالی‌که نیویورک ریویو آف بوکس<sup>۴</sup> نیز ممکن است نشانگر آمیزه‌ای از هفته‌نامهٔ نوول ایزروتور<sup>۵</sup>، و کریتیک<sup>۶</sup> و نشریهٔ تل کیل<sup>۷</sup> باشد. دربارهٔ ذوق و سلیقهٔ بورژوازی نیز شاید بتوان گفت که حرفه‌ای‌ها و مدیران امریکایی از منتقدان فیلم و کتاب و هنر و موسیقی نیویورک تا بمز یا مجله‌هایی مانند تایم و نیوزویک، توقع همان قضاوت‌های صائب و بدیعی را دارند که همتایان فرانسوی آن‌ها از لوموند<sup>۸</sup> یا فیگارو<sup>۹</sup> یا از هفته‌نامه‌هایی مانند اکسپرس<sup>۱۰</sup> یا لوپوشت<sup>۱۱</sup> می‌خواهند. کتاب‌ها و نویسندگان محبوب خوانندگان آثار پرفروش از کشوری به کشور دیگر تفاوت خواهد داشت، اما در همه‌جا اکثریت با داستان زندگی و خاطرات فهرمانان مثال‌زدنی موفق بورژوازی یا «رمان‌های غیرداستانی» خواهد بود. سرگرمی سهل‌الوصولی که پارسی‌ها در تئاتر بولواری می‌جویند، نیویورکی‌ها در نمایش‌های موزیکال خیابان برادوی خواهند یافت.

اما اطمینان دارم همین مقدار برای تشویق خوانندگان به شرکت در این بازی کفایت می‌کند، دست‌کم برای تصحیح خطاهای من و شاید دنبال کردن جست‌وجوی شباهت‌ها و هم‌ارزی‌هایی که در آوازاها و فیلم‌های سینما نیز می‌توان جست (آیا بریژیت باردو مانند مریلین مونرو است؟ آیا ژان گابن نوعی جان وین، همفری بوگارت یا اسپنسر ترتری فرانسوی است؟) و همچنین در پوشاک، دکوراسیون داخلی، ورزش و آشپزی، زیرا قطعاً در هر دو سوی آبراه مانس یا اقیانوس اطلس بعضی چیزها مقایسه‌پذیرند، بعضی هم نیستند؛ و ترجمه‌ها یک طبقه یا پاره‌طبقه، نظام منسجمی تشکیل می‌دهد. برای پشتیبانی از این فرضیه که همهٔ تحلیل‌های تجربی این کتاب بر آن صحنه می‌گذرانند، می‌توانم ادگار آلن پو را گواه

1. Les Temps Modernes
2. Partisan Review
3. Ultra-Leftism
4. New York Review of Books
5. Nouvel Observator
6. Critiqu
7. Tel Quel
8. Le Monde
9. Le Figaro
10. L'Express
11. Le Point